

قومیت، نابرابری آموزشی و باروری*

☆ **حاتم حسینی**

* **امیر هوشنگ مهریار**

در این بررسی استدلال شده است که تفاوت در نگرش‌ها، رفتار و سطح باروری گروه‌های قومی بازتاب جایگاه متفاوت آنها در نظام آموزشی است که ریشه در توسعه نامتوازن دارد. یافته‌ها نشان از نابرابری عمیق آموزشی، عدم تعادل جنسیتی در وضع سواد و تحصیلات با شدت بیشتر در میان کردها و تفاوت‌های معنی‌دار در نگرش‌ها، رفتار و سطح باروری گروه‌های قومی مورد بررسی دارد. پس از کنترل متغیرهای تحلیل، تفاوت‌های قومی باروری از حدود ۲ فرزند در قبل از کنترل به ۰/۵۷ فرزند در بعد از کنترل تقلیل پیدا کرد. متغیرهای وارد شده در تحلیل در مجموع ۳۹/۳ درصد واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کنند. با توجه به سطوح بالای نابرابری آموزشی، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری نیز متفاوت و در میان کردها و ترک‌ها، به ترتیب در حمایت از باروری بالا و پایین می‌باشد. این دو شیوه نگرش، عملکردهای جمعیتی متفاوتی را موجب شده و استمرار این وضعیت واگرایی جمعیت‌شناختی را به پدیده مسلط در آینده جامعه مورد بررسی تبدیل خواهد کرد.

واژگان کلیدی: قومیت، تعیین‌کننده‌های بلافضل، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری، گذار جمعیت‌شناختی، واگرایی جمعیت‌شناختی، نابرابری آموزشی، تحلیل طبقات چندگانه، تحلیل کوهورت.

* داده‌های این بررسی از طرح «بررسی رابطه قومیت و باروری در مناطق روستایی شهرستان ارومیه» که توسط نویسنده اول مقاله و با حمایت مالی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه در تابستان ۱۳۸۳ به انجام رسید، اقتباس شده است.

☆ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، Hatam.Hosseini@gmail.com
* استاد و رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. a.mehryar@gimps.ac.Ir

مقدمه

سطح باروری جمعیت ایران در گذشته بالا و با نوسانات بسیاری همراه بوده است (سرایبی ۱۳۷۶؛ میرزایی ۲۰۰۵). در سال‌های اخیر، کشور ایران گذار باروری سریعی را تجربه کرده است (عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۳؛ حسینی چاوشی و همکاران ۲۰۰۵؛ میرزایی و همکاران ۱۳۸۲). کاهش باروری پدیده‌ای فراگیر در تمام استان‌ها و مناطق شهری و روستایی ایران است (عباسی شوازی ۲۰۰۲).

با وجود این، هنوز تفاوت‌های معنی‌داری در سطح باروری استان‌های ایران، به‌ویژه در مناطق شهری و روستایی، وجود دارد (عباسی شوازی ۱۳۸۰ و ۲۰۰۲). بررسی عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳) نیز نشان داد که تفاوت معنی‌داری در میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده زنان گروه‌های قومی و مذهبی وجود دارد. حسینی (۱۳۸۴) نیز در بررسی تفاوت‌های باروری زنان کرد و ترک ساکن در مناطق روستایی شهرستان قروه بر وجود تفاوت‌های معنی‌دار در متوسط زنده‌زایی نکاحی مادران کرد و ترک صحنه گذاشت. در بررسی دیگری در مناطق روستایی شهرستان ارومیه (حسینی ۱۳۸۳) نتیجه مشابهی به‌دست آمد. صادقی (۱۳۸۳) نیز در تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران نشان داد که زنان گروه‌های قومی نگرش‌های متفاوتی نسبت به شمار ایده‌آل فرزندان، موقعیت ایده‌آل ازدواج برای جوانان و برابری جنسیتی داشته‌اند. یافته‌های این بررسی همچنین گویای آن است که تفاوت باروری مادران کرد و ترک در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با سطوح توسعه نابرابر به‌ترتیب، غیرمعنی‌دار و معنی‌دار است.

به این ترتیب، می‌توان گفت در ایران، علی‌رغم کاهش همزمان باروری در استان‌ها و مناطق شهری و روستایی، میزان کاهش در گروه‌های مختلف قومی و مذهبی به‌طور یکنواخت صورت نگرفته است. عباسی شوازی (۲۰۰۱) نشان داد که ترک‌ها زودتر از کردها به باروری جایگزینی، ۲/۱ فرزند برای هر زن، رسیده‌اند. این وضعیت سبب شده است شکاف بین میزان‌های رشد جمعیت‌های کرد و ترک از سال‌های میانه دهه ۱۳۷۰، به‌طور منظم بیشتر شود، زیرا تفاوت‌های قومی در میزان‌های مرگ و میر به اندازه‌ای نیست که تفاوت‌های قومی در باروری را جبران کند. با توجه به تغییر تعادل جمعیت‌شناختی، به‌ویژه در سطح منطقه‌ای و محلی، هرگونه تفاوت در میزان‌های تجدید نسل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و در نهایت جمعیت‌شناختی مهمی برای گروه‌های قومی مورد بررسی و جامعه ایران خواهد داشت.

حجم و ترکیب گروه‌های قومی و مذهبی همواره مبنای پی‌ریزی دعاوی قومی، مشروعیت‌بخشیدن به جایگاه گروه‌های قومی و مذهبی و سهم آنها در نظام توزیع منابع است

(طالب و گودرزی ۱۳۸۲). گروه‌های قومی و مذهبی با تأکید بر عوامل جمعیت‌شناختی تلاش می‌کنند تا منافع و موقعیت اقتصادی و سیاسی خود را بهبود بخشند و در رقابت با سایر گروه‌های قومی و مذهبی موقعیت چانه‌زنی خود را تقویت کنند. تحولات اخیر عراق و تلاش گروه‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه کردها و اهل تشیع، برای تصدی پست‌های سیاسی کلیدی گواه روشنی است بر آنچه گفته شد.

هرچند سیاست‌گذاری‌های دولت، اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده و کنترل موالید، نقش تعیین‌کننده‌ای در روندهای جمعیتی داشته است، اما نمی‌توان نقش عوامل دیگر را نادیده گرفت. در این سرزمین، توسعه بسیار نابرابر صورت گرفته و گروه‌های مختلف قومی به‌طور متفاوت در معرض تأثیرات مدرنیزاسیون، مثل تحصیلات، شهرنشینی، پزشکی و بهداشت، و ... قرار گرفته‌اند. * با افزایش درجهٔ مدرنیزاسیون، تصمیمات زوجین دربارهٔ شمار ایده‌آل فرزندان و زمان‌بندی موالید نه تنها به تأثیراتی که ممکن است یک خرده‌فرهنگ قومی بر آنها داشته باشد، بلکه به اندازهٔ تعامل و درگیری آنها با نهادهای مدرن نیز بستگی دارد (کاللون^۱ ۱۹۸۹).

در این بررسی بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تغییر در رفتارها و نگرش‌های باروری که سواد و تحصیلات یکی از مهم‌ترین وجوه آن است، تأکید شده است. فرض اصلی نویسندگان مقاله این است که نابرابری آموزشی معنی‌داری در میان کردها و ترک‌ها وجود دارد که ریشه در توسعه نامتوازن دارد و سبب می‌شود زنان متعلق به هر یک از گروه‌های قومی نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری متفاوتی داشته باشند. تفاوت در نگرش‌ها به تفاوت در تعیین‌کننده‌های بلافصل منجر شده و سطوح باروری متفاوتی بر کردها و ترک‌ها تحمیل کرده است که نتیجهٔ آن تغییر تعادل جمعیت‌شناختی و ترکیب جمعیتی گروه‌های قومی است. با توجه به تغییر ترکیب

* برای مثال، در سرشماری ۱۳۷۵ نسبت باسواد زنان به مردان و میزان اشتغال به تحصیل دختران ۱۵ تا ۱۹ سالهٔ روستایی در استان آذربایجان غربی به ترتیب، ۶۳/۴ و ۱۳/۶ درصد بوده است. ارقام متناظر در استان همجوار آذربایجان شرقی به ترتیب، ۷۷/۲ و ۲۱/۸ درصد و در استان یزد ۸۸/۹ و ۳۲/۶ درصد بوده است (حسینی ۱۳۸۰). امیر احمدیان (۱۳۷۸) نیز در رتبه‌بندی استان‌های ایران براساس معرف‌های توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی نشان داد که تفاوت‌های معنی‌داری از نظر درجهٔ توسعه‌یافتگی استان‌ها در ایران وجود دارد. برای مثال، استان آذربایجان غربی با رتبهٔ ۵ و استان‌های تهران، اصفهان، یزد و سمنان به ترتیب با رتبهٔ ۲۴، ۲۳ و ۲۲، در سطوح پایین و بالای توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی قرار داشته‌اند. این بررسی همچنین نشان داد که نسبت پزشک به جمعیت و تخت بیمارستانی در استان‌های ایران متفاوت از هم است. برای مثال، در استان آذربایجان غربی تعداد پزشک و تخت‌های بیمارستانی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت به ترتیب، ۲/۶ و ۱۳/۴ و در استان یزد، ۵ و ۲۹ بوده است.

1. Kollehlon

قومی جمعیت، هرگونه تفاوت در میزان‌های تجدید نسل پیامدهای اقتصادی-اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی مهمی برای گروه‌های قومی مورد بررسی خواهد داشت. با توجه به موقعیت حاشیه‌ای زنان کرد در خانواده، بازار کار و نظام آموزشی، به نظر می‌رسد زنان ترک از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در مورد فرزندآوری برخوردارند. بنابراین حتی اگر زمانی سیاست‌های جمعیتی دولت در راستای افزایش مولید قرار بگیرد، موفقیت آن در آذربایجان غربی تا حدود زیادی به تمایل و رضایت زنان شاغل برای سازگاری موقعیت شغلی‌شان با خانواده‌های با حجم زیاد بستگی دارد. به‌خاطر تفاوت‌های معنی‌دار در میزان مشارکت زنان کرد و ترک، سیاست‌های جمعیتی جدید احتمالی دولت تأثیر زیادی در برانگیختن زنان ترک برای افزایش حجم خانوار نخواهد داشت. گذشته از این، استمرار سیاست‌های جمعیتی کنونی به دلیل موقعیت حاشیه‌ای کردها و تفاوت‌های موجود در زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی آنها در مقایسه با زنان ترک، بیشتر از سوی جمعیت ترک‌زبان مورد استقبال قرار می‌گیرد. محوریت مردان کرد در تصمیم‌گیری‌های باروری و انتقال این محوریت به زنان در میان ترک‌ها عامل دیگری است که واگرایی باروری گروه‌های قومی را شدت بخشیده و واگرایی جمعیت‌شناختی را به پدیده مسلط در آینده شهرستان تبدیل خواهد کرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی حاضر باروری گروه‌های قومی را در کانون توجه خود قرار داده است. پرداختن به این موضوع از چند جهت مهم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱. باروری عامل جایگزینی بیولوژیک^۱ و تداوم نسل‌هاست. هر جمعیتی خود را از طریق فرآیندهای باروری انسان بازسازی می‌کند. جایگزینی یک گروه از طریق باروری فرآیند پیچیده‌ای است که گذشته از محدودیت‌های فیزیکی باروری انسان، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جمعیت‌شناختی نیز نقش مهمی در تعیین سطوح و تفاوت‌های باروری دارند (بهند و کانیتکار^۲ ۱۹۹۴).

۲. ساخت سنی هر جمعیتی اساساً تحت تأثیر باروری شکل می‌گیرد. امروزه، تغییرات کاهنده در سطح باروری در کنار ثبات نسبی مرگ و میر در سطوح پایین سبب شده است تا آهنگ کاهش رشد جمعیت به‌کندی گراید. با توجه به تفاوت ماهوی میان باروری و مرگ و میر از منظر سیاست‌گذاری‌های دولت، پدیده باروری نقش و اهمیت بیشتری در تغییرات جمعیت در آینده

1. Biological Replacement

2. Behende and Kanitkar

خواهد داشت و باروری ایران در آینده به تصمیم‌هایی بستگی دارد که توسط نسل کنونی و نسل‌های آتی گرفته خواهد شد (عباسی شوازی ۲۰۰۲). در کشوری چون ایران که تغییرات جمعیت‌شناختی گسترده‌ای را در سال‌های اخیر تجربه کرده و در آینده نیز با چالش‌های جمعیتی مهمی مواجه خواهد شد (میرزایی و همکاران ۱۳۸۲)، بدون تردید باروری یکی از مکانیزم‌های بازگرداندن تعادل از دست‌رفته به جامعه است. بنابراین، با افزایش نقش باروری در تغییرات جمعیت ایران در آینده، توجه به این پدیده و اندازه‌گیری و تبیین آن اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد.

۳. قومیت، به‌عنوان یک عنصر فرهنگی، بستری است که رفتار در آن شکل می‌گیرد و تعلق قومی می‌تواند هم از طریق تسهیل و تقویت اشاعه ایده‌های جدید مرتبط با باروری و هم با تأکید بر حفظ ارزش‌ها و هنجارهای قومی و ممانعت از پذیرش ایده‌های جدید، به‌صورت دوگانه و در جهات مختلف رفتار باروری را تحت تأثیر قرار دهد. کول^۱ در مقاله‌گذار جمعیت‌شناختی در دهه ۱۹۷۰، به این واقعیت اذعان نمود که در بعضی کشورهای اروپایی زمان‌بندی کاهش باروری همسو با توزیع زبانی این کشورها بوده است. بر این اساس، نتیجه گرفت که کاهش باروری نه‌تنها تحت تأثیر عوامل اقتصادی است بلکه از عوامل و زمینه‌های فرهنگی نظیر قومیت، مذهب و زبان نیز تأثیر می‌پذیرد (بونگارت و واتکینز^۲ ۱۹۹۶، یو و شان^۳ ۱۹۹۲).

۴. در مطالعات مختلف صورت گرفته طی سال‌های اخیر (عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۳، عباسی شوازی ۱۳۸۰، عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴، عباسی شوازی و همکاران ۱۳۸۱، حسینی ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴، صادقی ۱۳۸۳) همواره بر ضرورت بررسی و تبیین رفتارها و نگرش‌های باروری گروه‌های قومی و مذهبی تأکید شده است.

چارچوب مفهومی و تحلیلی تحقیق

تحولات باروری، بدون تردید، تحت تأثیر عوامل متعددی صورت می‌گیرد که در ارتباط با هم هستند. با این حال، امکان تعیین سهم هر یک از عوامل در گذار باروری، فهم تأثیرات علی یا محدود کردن عوامل در یک طرح طبقه‌بندی نظام‌یافته وجود ندارد.

شاید فرانک نوتشتاین^۴ (۱۹۵۳) از کسانی باشد که مؤثرترین بحث را در مورد علل و عوامل کاهش باروری ارائه کرده است. تئوری نوتشتاین همراه با فرمول‌بندی‌های مربوط به تأثیر

1. Coale
3. Wu and Shan

2. Bongaarts and Watkins
4. Frank Notestein

نوگرایی بر رفتار جمعیت‌شناختی، به عنوان تئوری کلاسیک گذار جمعیت‌شناختی^۱ معروف است. این تئوری که در طول چند دهه پارادایم غالب در جمعیت‌شناسی بود، کاهش باروری را ناشی از فرآیند صنعتی شدن، شهرنشینی و به‌طور کلی توسعه اقتصادی می‌داند. بر اساس این تئوری، فرآیندهای مذکور ابتدا به کاهش در مرگ‌ومیر و بعدها باروری منجر می‌شود، زیرا از طرفی از ارزش اقتصادی کودکان کاسته می‌شود و هزینه‌های آنها افزایش می‌یابد و از طرف دیگر، با افزایش بازماندگی فرزندان انگیزه والدین برای داشتن فرزند بیشتر کمتر می‌شود (تامپسون^۲ ۱۹۲۹؛ بونگارت ۲۰۰۵؛ بونگارت و واتکینز ۱۹۹۶).

در دهه ۱۹۷۰، تیمی از محققین به سرپرستی انسلی کول در قالب پروژه بررسی باروری اروپایی^۳ به آزمون تئوری گذار جمعیت‌شناختی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، شرایط اقتصادی-اجتماعی تنها پیش‌بینی‌کننده‌های ضعیفی از کاهش باروری است و گذار باروری در سطوح بسیار متفاوتی از توسعه شروع شده است. ثانیاً، همین‌که یک کشور یا منطقه کاهش باروری را شروع می‌کند، مناطق همجوار با همان زبان یا فرهنگ، حتی اگر کمتر توسعه یافته باشند، پس از یک تأخیر کوتاه گذار باروری را آغاز می‌کنند (بونگارت ۲۰۰۵؛ بونگارت و واتکینز ۱۹۹۶).

بر این اساس، بعدها بونگارت (۱۹۷۸، ۱۹۸۳) با الهام از تئوری متغیرهای بینابین^۴ دیویس و بلیک^۵ به ارائه مدل تعیین‌کننده‌های بلافصل^۶ باروری پرداخت و استدلال نمود که برای بهبود شناخت و آگاهی از علل تغییرات باروری باید به تحلیل مکانیزم‌هایی پرداخت که متغیرهای اقتصادی-اجتماعی از طریق آنها بر باروری تأثیر می‌گذارند. از نظر بونگارت، همبستگی‌های مشاهده شده بین توسعه و تغییرات باروری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، هم از نظر اندازه و هم از نظر جهت، متفاوت هستند. مدل تعیین‌کننده‌های بلافصل دربرگیرنده عوامل زیستی و رفتاری است که به‌طور مستقیم باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

پیامد نوگرایی، به‌ویژه آموزش رسمی، گذار روان‌شناختی از تقدیرگرایی به احساسی از کنترل سرنوشت، از انفعال به تعقیب موفقیت، از یک مذهب و دیدگاه کوه‌تپه‌نانه نسبت به جهان

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------|
| 1. Demographic Transition Theory | 2. Thompson |
| 3. European Fertility Survey (EUFS) | 4. Intermediate variables |
| 5. Davis and Blake | 6. Proximate Determinants |

به یک دیدگاه سکولارتر، عقلانی و بین‌المللی است. مطالعات نادل و وان دو وال^۱ در مورد گذار باروری در کشورهای اروپایی نشان داد که در مقایسه با عوامل اقتصادی کلان، سطوح سواد و تحصیلات همبستگی نزدیک‌تری با تغییرات باروری داشته است. یافته‌های «بررسی باروری جهان»^۲ نیز گویای آن است که در بیشتر کشورهای مورد بررسی، چند سال تحصیلات بیشتر مادران برای گذار رفتار تولیدمثل کافی بوده است. این بدان معنی است که تأثیر ادراک، ایده‌ها و انتظارات بر تغییرات باروری بیشتر از تغییر در واقعیت‌های اقتصادی خرد است (کللند و ویلسون^۳ ۱۹۸۷).

مدل‌های دیگری برای تبیین تغییرات باروری، از جمله باروری گروه‌های قومی، ارائه شده است که از جمله آنها می‌توان به مدل‌های اقتصادی، مدل‌های اقتصادی-اجتماعی، مدل جامعه‌شناختی، تئوری اشاعه، تئوری تبیین نهادی، تئوری جریان ثروت بین‌نسلی، تئوری برابری جنسیتی، فرضیه مشخصه‌ها، فرضیه موقعیت گروه اقلیت، فرضیه نگرش‌ها و مشخصه‌های خرده‌فرهنگی، فرضیه الهیات ویژه و... اشاره کرد*.

چارچوب مفهومی بررسی حاضر تلفیقی از مدل‌های کلاسیک گذار جمعیت‌شناختی، مدل تعیین‌کننده‌های بلافصل و فرضیه مشخصه‌هاست. نویسندگان مقاله بر این باورند که در تحلیل تفاوت‌های قومی باروری باید به تحلیل تفاوت‌های قومی در تعیین‌کننده‌های بلافصل پرداخت. بخشی از این تفاوت‌ها ناشی از این واقعیت است که گروه‌های قومی مورد بررسی به‌طور متفاوت در معرض تأثیرات مدرنیزاسیون قرار گرفته‌اند و بخشی از آن نیز خاستگاه فرهنگی دارد که بخش اخیر در این مقاله مورد تحلیل قرار نگرفته است. استدلال نویسندگان مقاله این است که سیاست‌های نانوخته قومی و توسعه نامتوازن، کردها را به حاشیه رانده و دسترسی آنها را به

1. Knodel and Van de Walle

2. World Fertility Survey

3. Cleland and Wilson

* عباسی (۱۳۸۰) و عباسی و همکاران (۱۳۸۱) در انتقاد از تئوری‌ها و مدل‌های ارائه شده برای تبیین باروری استدلال می‌کنند که دنیای اجتماعی بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان رفتارهای افراد را صرفاً از منظر یک نظریه خاص تبیین کرد. آنها بر این باورند که بسیاری از تئوری‌های باروری با توجه به شرایط و تحولات جمعیتی و اجتماعی در کشورهای پیشرفته ارائه شده و بنابراین قابلیت تبیین تحولات باروری در تمام جوامع امروزی را ندارند. علاوه بر این، موضوعات و مفاهیم اصلی برخی از این نظریه‌ها به‌راحتی قابل‌سنجش نیست. در نهایت اینکه، امکان آزمایش و تست کامل این نظریه‌ها در دنیای واقع وجود ندارد. برای مثال، نظریه جریان ثروت بین‌نسلی مستلزم داده‌ها و مطالعات طولی است که امکان بررسی جریان ثروت بین نسل‌های مختلف را فراهم سازد. چنین داده‌هایی به‌راحتی در دسترس نیست.

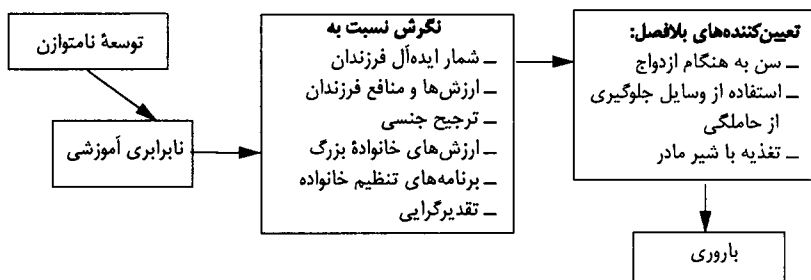
فرصت‌ها و امکانات آموزشی محدود ساخته است. این موقعیت حاشیه‌ای شیوه‌ای از زندگی را حول ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی به خانواده و فرزندآوری به وجود آورده و سبب شده است تا کردها عملکرد جمعیتی بالایی داشته باشند. در مقابل، ترک‌ها به سبب راهیابی به نظام آموزشی و برخورداری از موقعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی شیوه‌ای از زندگی را با عملکرد جمعیتی پایین تجربه می‌کنند.

همان‌طور که گفته شد، رفتار باروری بازتاب نابرابری در نظام آموزشی است که خود ریشه در توسعه نامتوازن دارد. بر اساس مدل تحلیلی تحقیق (نمودار ۱)، فرضیه‌های زیر مورد بررسی و آزمون آماری قرار می‌گیرد:

۱. تفاوت در رفتار باروری گروه‌های قومی تحت تأثیر تفاوت در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری و تعیین‌کننده‌های بلا فصل است.

۲. تفاوت در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری و تعیین‌کننده‌های بلا فصل بازتاب جایگاه متفاوت گروه‌های قومی در نظام آموزشی است. بنابراین، انتظار می‌رود با کنترل مشخصه‌های آموزشی، سطح سواد و تحصیلات، نوعی همگرایی در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری به وجود بیاید و سطح باروری گروه‌های قومی به یکدیگر نزدیک‌تر شود.

نمودار ۱. مدل تحلیلی تحقیق



زمینه‌های تجربی

موضوع قومیت و باروری در خارج از ایران همواره در کانون بررسی‌های جمعیتی و جامعه‌شناسی، حتی تا سال‌های اخیر، قرار داشته است. یافته‌های برخی از تحقیقات صورت‌گرفته در زمینه قومیت و باروری (کاللون ۱۹۸۹؛ جانسون ۱۹۷۹؛ اسلای ۱۹۷۰)، شواهد تجربی لازم را در حمایت از فرضیه مشخصه‌ها به دست می‌دهد. بررسی‌های دیگری (گلدشایدنر و اولنبرگ ۱۹۶۹، گووینداسامی ۱۹۹۱) در زمینه قومیت و مذهب و رابطه آن با

باروری صورت گرفت که هر کدام به نوعی شواهد تجربی لازم را در رد اعتبار فرضیه مشخصه‌ها و حمایت از فرضیه موقعت گروه اقلیت به دست دادند. نتایج مطالعات میشر^۱ (۲۰۰۴) در زمینه تفاوت‌های باروری و تنظیم خانواده در بین مسلمانان و غیرمسلمانان هند در حمایت از فرضیه الهیات ویژه^۲ نشان داد که دلیل اصلی پذیرش کمتر تنظیم خانواده و باروری بالاتر زنان مسلمان ضدیت بیشتر مسلمانان با تنظیم خانواده است. برون^۳ (۱۹۹۶) نیز نشان داد که اهمیت قومیت در تبیین تفاوت‌های باروری در محیط‌های مختلف متفاوت است، اما تأثیر مذهب بر تعیین‌کننده‌های بلا فصل در محیط‌های مختلف تقریباً یکسان و مشابه است.

در بررسی SNZ^۳ (۲۰۰۴) نیز که بر مبنای داده‌های سرشماری ۱۹۹۶ نیوزیلند صورت گرفت، زنان متعلق به قومیت‌های آسیایی و اروپایی باروری پایین‌تری در مقایسه با زنان متعلق به قومیت‌های مائوری یا اقیانوسیه داشتند. یافته‌های این تحقیق از طرفی فرضیه مشخصه‌ها را تأیید کرد، اما از آنجا که در داخل هر یک از گروه‌های قومی تنوع گسترده‌ای در سطوح باروری دیده شد، این تفاوت‌ها عمدتاً به طبیعت و ماهیت هر یک از زیرگروه‌ها، فرضیه تبیین فرهنگی، نسبت داده شد. بر این اساس، در تبیین تفاوت‌های موجود در باروری زنان گروه‌های مختلف قومی تا حدودی بر نقش مستقل تعلق قومی زنان مورد بررسی تأکید شد، اما مشخص نشد که قومیت تا چه اندازه باعث تفاوت در رفتار باروری شده است.

ریچی^۴ (۱۹۷۵) بر نقش موقعت گروه اقلیت در تبیین تفاوت‌های موجود در باروری گروه‌های قومی تأکید می‌کند، او، برخلاف گلدشایدنر و اولنبرگ (۱۹۶۹)، به این نتیجه رسید که در صورت ایجاد همانندی بین گروه‌های اقلیت و اکثریت، همگرایی در باروری به وجود می‌آید. تاپا^۵ (۱۹۸۹) نشان داد که هویت گروه قومی تأثیر مستقل معنی‌داری بر زمان‌بندی ازدواج یا سن به‌هنگام اولین ازدواج حتی بعد از کنترل سایر عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی دارد. پواناراجان و سیلوا^۶ (۲۰۰۱) نیز در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که تمام گروه‌های قومی در فرآیند کاهش باروری در سریلانکا سهیم بوده‌اند. آنها هیچ بیانی از تعیین‌کننده‌های باروری در میان گروه‌های مختلف قومی به دست ندادند، اما افزایش سن به‌هنگام ازدواج، افزایش استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی و فشارهای اقتصادی را تعیین‌کننده‌های اصلی کاهش باروری در سریلانکا می‌دانند. میستری^۷ (۱۹۹۹) در تحلیل نقش مذهب در باروری و تنظیم خانواده در

1. Mishra

3. Statistics New Zealand

5. Thapa

7. Mistry

2. Particularized Theology

4. Ritchy

6. Puvanarajan and Silva

میان مسلمانان هند نشان داد که مذهب نقش مستقل معنی‌داری در تبیین باروری بالا و پذیرش محدود برنامه تنظیم خانواده در میان مسلمانان ندارد. یافته‌های این بررسی بر اهمیت مدرنیزاسیون و منزلت زنان در تبیین باروری بالا و پذیرش کم تنظیم خانواده در بین مسلمانان تأکید دارد.

کوچ و هانسیاغلو^۱ (۱۹۹۹) با استفاده از داده‌های طرح «بررسی بهداشتی و جمعیتی ترکیه»^۲ نشان دادند که دو گروه قومی کرد و ترک دارای مشخصه‌های جمعیت‌شناختی کاملاً متفاوتی هستند. به‌طور کلی، یافته‌های این بررسی بیانگر تفاوت در سطوح و الگوهای سنی باروری زنان کرد و ترک است. با تمام اینها، مشخص نشد که قومیت چگونه و از طریق چه مکانیزم‌هایی بر سطح و الگوی باروری تأثیر می‌گذارد.

بررسی‌های معدودی در زمینه باروری گروه‌های قومی در ایران صورت گرفته است. پرند (۱۳۷۲) در بررسی تفاوت‌های استانی در باروری اقوام به این نتیجه رسید که بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها، لر‌ها، کردها و آذری‌ها به ترتیب با ۵، ۴/۷، ۴/۶، ۴/۵، ۴/۳ و ۴ فرزند زنده به دنیا آمده بیشترین و ارامنه، شمالی‌ها و فارس‌ها هر یک با ۲/۹، ۳/۱ و ۳/۵ فرزند به ترتیب کمترین باروری را داشته‌اند. باروری سایر گروه‌های زبانی در حدود باروری کل گروه‌های زبانی و ۳/۹ فرزند گزارش شده است. پرند ضمن حمایت از فرضیه مشخصه‌ها و نسبت دادن این تفاوت‌ها به ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی گروه‌های مورد بررسی، با احتیاط نقش تعلق قومی در ایجاد این تفاوت‌ها را معنی‌دار تلقی نمی‌کند.

زنجانی و ناصری (۱۳۷۵) در بررسی باروری گروه‌های قومی ترک، بلوچ، فارس، کرد و لر نشان دادند که تفاوت معنی‌داری در سطح باروری گروه‌های قومی مورد بررسی وجود دارد. محققین این تفاوت‌ها را در ارتباط با شرایط و زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی و نه صرفاً تعلق قومی تبیین می‌کنند. نتیجه‌ای که اخیراً در بررسی صادقی (۱۳۸۳) خلاف آن به اثبات رسید.

ندیم و سالاری لک (۱۳۷۹) در بررسی خود در آذربایجان غربی نشان دادند که درصد مولید رتبه چهارم و بالاتر در گروه قومی کرد بیشتر از گروه قومی ترک است. طالب و گودرزی (۱۳۸۲) نیز بر تفاوت در نگرش گروه‌های قومی و مذهبی در مورد هنجارهای خانواده و رفتار باروری در استان سیستان و بلوچستان تأکید کردند. نتایج این بررسی گویای آن است که نگرش شیعیان، غیربلوچ، به خانواده حول محور ارزش‌های فردگرایانه و استقلال خانواده با عملکرد جمعیتی

1. Koc and Hancioglu
2. Turkey Demographic and Health Survey (TDHS)

پایین است، در حالی که اهل تسنن، بلوچ‌ها، بیشتر به الگوهای سنتی ارزش‌های خانوادگی گرایش داشتند.

عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳) نشان دادند که زنان گیلک، آذری و فارس به ترتیب با متوسط زنده‌زایی ۳/۰۵، ۳/۴ و ۳/۷۱ پایین‌ترین و زنان بلوچ با ۴/۹۴ و کرد با ۴/۸۴ فرزند زنده به دنیا آمده بالاترین سطح باروری را تجربه کرده‌اند. بر پایه این بررسی، تفاوت معنی‌داری در نگرش زنان بلوچ و کرد با زنان گیلک، آذری و فارس در زمینه شمار فرزندان ایده‌آل در زمان ازدواج و زمان بررسی وجود دارد و این تفاوت‌ها احتمالاً در آینده نیز وجود خواهد داشت. عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۱) همچنین نشان دادند که نگرش خانواده‌ها در مورد فرزندآوری تغییر کرده است. آنها به تبعیت از کالدول معکوس شدن جریان ثروت را در تبیین کاهش باروری در جامعه مورد بررسی مؤثر می‌دانند. این بررسی نشان داد که نوعی همگرایی در رفتار باروری زنان مورد بررسی در گروه‌های مختلف سنی به وجود آمده است. در بررسی دیگری (عباسی شوازی و عسکری‌ندوشن ۱۳۸۴) معلوم شد که زنان شهری با تحصیلات بالاتر و میانگین بالاتر سن ازدواج انطباق بیشتری با الگوهای مدرن باروری از خود نشان داده‌اند، با این وجود، دامنه و وسعت این تغییرات در حد و اندازه‌هایی نبوده است که صاحب‌نظران برای کاهش باروری انتظار داشتند.

حسینی (۱۳۸۴) در بررسی تعیین‌کننده‌های باروری دو گروه قومی کرد و ترک در مناطق روستایی شهرستان قروه نشان داد که تفاوت معنی‌داری در سطح باروری مادران کرد و ترک، پس از کنترل متغیر مذهب، وجود دارد. نتایج بررسی دیگری (حسینی ۱۳۸۳) که بر تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی کرد و ترک در مناطق روستایی شهرستان ارومیه متمرکز بود، نشان داد که زنان کرد و ترک با متوسط زنده‌زایی ۳/۹ و ۱/۹، به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین سطح زنده‌زایی را تجربه کرده‌اند. نتایج این بررسی بر اهمیت فرضیه مشخصه‌ها و تبیین فرهنگی در تحلیل باروری اختلافی بین کردها و ترک‌ها تأکید می‌کند.

صادقی (۱۳۸۳) نیز در تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران نشان داد که تفاوت‌های آشکاری در زمینه رفتار باروری، ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی، ساختار خانواده و توزیع قدرت در میان گروه‌های قومی مورد بررسی وجود دارد. یافته‌های این بررسی، برخلاف نتایج به‌دست‌آمده از بررسی‌های پرند (۱۳۷۲) و زنجانی و ناصری (۱۳۷۵)، گویای آن است که تفاوت‌های قومی باروری در بسترهای متفاوت اقتصادی-اجتماعی با توسعه نابرابر، در مورد همه گروه‌های قومی صدق نمی‌کند. در این بررسی تأکید شد که همانندی مشخصه‌ها نمی‌تواند به‌طور کامل تفاوت‌های قومی باروری را تبیین کند، زیرا پس از کنترل آماری مشخصه‌ها، قومیت

همچنان تأثیر معنی‌داری بر باروری اعمال می‌کند. به‌طور کلی، یافته‌های این بررسی در حمایت از فرضیه تبیین فرهنگی است که بر اساس آن، قومیت در بسترهای مختلف اقتصادی-اجتماعی تأثیر یکسانی بر باروری باقی می‌گذارد. با تمام اینها، معلوم نشده است که قومیت چگونه و از طریق چه مکانیزم‌هایی رفتار و سطح باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

روش شناسی

روش تحقیق پیمایشی است. جمعیت آماری، زنان کرد و ترک ۱۵ تا ۴۹ ساله ازدواج کرده ساکن در مناطق روستایی شهرستان ارومیه در سال ۱۳۸۳ است. بر اساس فرهنگ آبادی‌های شهرستان ارومیه در سال ۱۳۷۵، این زنان در ۶۹۱ آبادی با ترکیب قومی کرد (۲۹/۹ درصد)، ترک (۳۳/۴ درصد) و کرد و ترک (۳۶/۶ درصد) توزیع شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. ابتدا سه خوشه بر حسب تعلق قومی تهیه شد. سپس در هر خوشه روستاها برحسب برخورداری یا عدم برخورداری از خانه بهداشت روستایی گروه‌بندی شدند*. در مرحله بعد، متناسب با سهم خوشه‌ها در طبقات دوگانه، طی چند مرحله دوازده روستا (۶ روستا دارای خانه بهداشت و ۶ روستا فاقد خانه بهداشت) انتخاب شد که در این میان سهم هر یک از خوشه‌های سه‌گانه، ۴ روستا تعیین شد (جدول ۱).

جدول ۱. روستاهای انتخاب‌شده در هر یک از خوشه‌ها برحسب برخورداری و عدم برخورداری از خانه بهداشت روستایی

خوشه	دارای خانه بهداشت	فاقد خانه بهداشت
کرد	گردوان، تویی	خره‌گوش، قصر یک از دهستان دشت*
ترک	شیخ سرمست، ریکان	صالح‌آباد، چیچکلوی منصور
کرد و ترک	کوتالان، انهر علیا	قلعه‌جوق، دربند

* اشاره به تعلق دهستانی روستای قصریک به خاطر آن است که روستای دیگری با همین نام در دهستانی دیگر وجود داشت.

بر اساس آمارهای اداره آمار و اطلاعات مرکز بهداشت شهرستان ارومیه، جمعیت زنان

* آن دسته از نقاط روستایی که در شمار خانواده‌های مستقل بودند و یا تعداد خانوار آنها کمتر از ۱۰ خانوار بود از مجموعه نقاط روستایی هر خوشه خارج شدند و به این ترتیب، شمار روستاها به ۵۷۸ روستای دارای سکنه (۷۶/۶ درصد فاقد خانه بهداشت و ۲۳/۴ درصد دارای خانه بهداشت) تقلیل پیدا کرد.

واجد شرایط بررسی روستاهای انتخاب شده در خوشه‌های سه‌گانه ۶۲۰ نفر بود (۳۲۱ نفر در روستاهای دارای خانه بهداشت و ۲۹۹ نفر در روستاهای فاقد خانه بهداشت) که با توجه به شمار آنها تصمیم گرفته شد به جای نمونه‌گیری، تمام‌شماری شوند. به این صورت که پرسشگران با مراجعه به هر یک از زنان در روستاهای نمونه پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. شمار پرسشنامه‌ها بنا به دلایلی از ۶۲۰ مورد به ۵۸۲ مورد تقلیل پیدا کرد. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS پردازش شد. در تحلیل داده‌ها از آماره‌های مختلف پراکندگی، تحلیل واریانس، تحلیل طبقات چندگانه و ضرایب همبستگی استفاده شده است.

به منظور بررسی تأثیر نابرابری آموزشی بر رفتارها و نگرش‌های باروری زنان گروه‌های قومی، از یک تحلیل چند متغیره چندمرحله‌ای استفاده شده است. هدف اصلی، بررسی تأثیر جایگاه متفاوت زنان گروه‌های قومی در نظام آموزشی بر نگرش‌ها و رفتار باروری آنهاست. بر این اساس، در بعد رفتاری، متغیر شمار فرزندان زنده به دنیا آمده و در بعد نگرشی، شمار فرزندان ایده‌آل برای یک خانواده روستایی، نگرش نسبت به ارزش‌های خانواده بزرگ، برنامه تنظیم خانواده، منافع اقتصادی و عملی فرزندان، تقدیرگرایی در رفتار باروری و ترجیح فرزند پسر بر فرزند دختر به عنوان متغیرهای وابسته انتخاب شده‌اند.*

البته برخی از متغیرهای وابسته و نیز تعیین‌کننده‌های بلافصل باروری در نقش متغیر مستقل نیز ظاهر شده‌اند و در نهایت، رفتار باروری زنان گروه‌های قومی در رابطه با این متغیرها و با کنترل متغیر نابرابری آموزشی که از طریق طرح سؤالاتی در زمینه وضعیت سواد و سطح تحصیلات پاسخگویان اندازه‌گیری شده است، مورد بررسی و آزمون آماری قرار گرفته است.

* هر یک از شاخص‌های مرتبط با ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی با استفاده از طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است. شاخص منافع اقتصادی و عملی فرزندان، تقدیرگرایی در رفتار باروری، ارزش‌های خانواده بزرگ و نگرش نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده در دامنه‌ای بین حداقل ۵ و حداکثر ۲۵ نوسان دارد، به این معنی که نمره ۵ بیانگر گرایش خیلی کم و نمره ۲۵ گرایش خیلی زیاد نسبت به هر یک از شاخص‌های مرتبط با ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی است. نمره شاخص ترجیح جنسی نیز در دامنه‌ای بین ۶ و ۳۰ نوسان دارد. نمره ۳۰ بیانگر گرایش خیلی زیاد به ترجیح فرزند پسر بر دختر و نمره ۶ بیانگر آن است که پاسخگو اصلاً چنین نگرشی ندارد.

یافته‌های تحقیق

نابرابری گروه‌های قومی

۱. وضع سواد و سطح تحصیلات

داده‌های این بررسی از وضعیت نامناسب سواد و تحصیلات در گروه‌های قومی مورد بررسی حکایت دارد. ۳۹/۹ درصد جمعیت مورد بررسی باسواد و بقیه بی‌سواد بوده‌اند. سهم زنان ترک از مجموع جمعیت باسواد بیش از ۱/۵ برابر زنان کرد است. نسبت بی‌سوادی در بین زنان کرد ۸۵/۴ درصد است در حالی که ۶۰/۸ درصد زنان ترک باسواد بوده‌اند. تحلیل‌های درون‌گروهی نیز نشان از توزیع نابرابر سواد و تحصیلات در میان گروه‌های قومی دارد. از کل جمعیت کرد مورد بررسی تنها ۲۳/۳ درصد باسواد بوده‌اند در حالی که نسبت متناظر در میان زنان ترک ۷۳/۴ درصد است.

توزیع باسوادان در سطوح مختلف تحصیلی (جدول شماره ۲)، نیز از یک نابرابری عمیق میان گروه‌های قومی مورد بررسی حکایت می‌کند. ۷۳/۶ درصد از زنان باسواد کرد در سطح تحصیلات ابتدایی و تنها ۱/۱ درصد در سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده‌اند. در مقابل، ۵۲/۵ درصد زنان ترک دارای تحصیلات در سطح راهنمایی و بالاتر بوده‌اند که در این میان سهم زنان با تحصیلات دیپلم و بالاتر ۱۱/۶ برابر زنان کرد می‌باشد. این بدان معنی است که نابرابری در سطوح بالاتر تحصیلی تشدید می‌شود.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت سواد و قومیت

کل	وضع سواد پاسخگو		گروه قومی
	بی‌سواد	باسواد	
۳۹۰	۲۹۹	۹۱	تعداد
۱۰۰	۷۶/۷	۲۳/۳	درصد در گروه قومی
۶۷	۸۵/۴	۳۹/۲	کرد
۶۷	۵۱/۴	۱۵/۶	درصد در کل نمونه
۱۹۲	۵۱	۱۴۱	تعداد
۱۰۰	۲۶/۶	۷۳/۴	درصد در گروه قومی
۳۳	۱۴/۶	۶۰/۸	ترک
۳۳	۸/۸	۲۴/۲	درصد در کل نمونه
۵۸۲	۳۵۰	۲۳۲	تعداد
۱۰۰	۶۰/۱	۳۹/۹	کل
			درصد در کل نمونه

$$V = ۰/۲۹ \text{ و } \text{Sig } ۰/۰۰۰$$

ضریب همبستگی کرامر شدت پیوستگی بین دو متغیر را نشان می‌دهد. دلیل این وضعیت را شاید بتوان ناکامی دختران کرد در راهیابی به سطوح تحصیلی بالاتر به دلایلی چون اولویت ازدواج بر تحصیل در میان کردها و محدود کردن نقش زن به خانه‌داری و نگاه‌داری و مراقبت از فرزندان دانست.

هرچند تحصیلات زنان متغیر مهمی در تعیین سطح و الگوی باروری است، اما اگر زن و مرد هر دو باسواد و از سطح تحصیلات بالایی برخوردار باشند، پذیرش تنظیم خانواده و استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی که اقدامی دوطرفه از سوی زن و مرد است، آسان می‌نماید. نتایج نشان از نابرابری آموزشی و تحصیلی میان زنان و مردان هر دو گروه قومی دارد، اما این نابرابری در میان کردها به مراتب بیشتر از ترک‌هاست (جدول شماره ۳). در کل جمعیت مورد بررسی، بدون توجه به تعلق قومی، ۳۵/۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که شوهران آنها بی‌سواد بوده‌اند که از این نسبت، ۸۳/۵ درصد کرد و ۱۶/۵ درصد ترک بوده‌اند. تحلیل‌های درون‌گروهی این نابرابری را در گروه‌های قومی تأیید می‌کند. شوهران ۴۴/۱ درصد زنان کرد بی‌سواد بوده‌اند. این نسبت در بین زنان ترک ۱۷/۷ درصد است.

جدول ۳. توزیع نسبی زنان مورد بررسی بر حسب وضع سواد و تحصیلات شوهران آنها

	باسواد			بی‌سواد	گروه قومی
	ابتدایی	راهنمایی یا متوسطه	دیپلم و بالاتر		
کرد	۵۹/۲	۳۲/۶	۸/۳	۴۴/۱	
ترک	۳۷/۳	۴۴/۹	۱۷/۷	۱۷/۷	
کل	۵۰	۳۷/۸	۱۱/۲	۳۵/۴	

$$V = ۰/۳۳ \text{ و } \text{Sig } ۰/۰۰۰$$

توزیع زنان گروه‌های قومی بر حسب سطوح تحصیلی شوهران آنها نیز بر نابرابری‌های آموزشی بین قومی صحنه می‌گذارد. بیش از ۵۹ درصد از زنان کردی که شوهران خود را باسواد گزارش کرده‌اند، اظهار داشته‌اند که شوهران‌شان در سطح تحصیلات ابتدایی هستند. نسبت متناظر در بین زنان ترک ۳۷/۳ درصد است. در سطح تحصیلات راهنمایی یا متوسطه و دیپلم و بالاتر این نسبت‌ها برعکس می‌شود. در جمعیت باسواد کردزبان، ۶۰ درصد خانواده‌ها در سطح تحصیلات ابتدایی بوده‌اند، در حالی که این نسبت در میان خانواده‌های ترک‌زبان نزدیک به ۳۷ درصد است.

یافته‌ها حکایت از آن دارد که در هر دو گروه قومی نوعی عدم تعادل جنسی در وضعیت سواد و تحصیلات وجود دارد، اما در مقایسه زنان و مردان گروه‌های قومی شدت نابرابری جنسیتی در میان کردها بیشتر از ترک‌هاست. به بیان دیگر، زنان کرد از محرومیت تحصیلی بیشتری در مقایسه با زنان ترک برخوردارند. این بدان معنی است که گروه‌های قومی در راهیابی به نظام آموزشی از فرصت‌های یکسانی برخوردار نیستند.

۲. باروری

سطح باروری گروه‌های قومی با توجه به شمار کل فرزندان زنده به دنیا آمده^۱ مقایسه شده است. نسبت شمار فرزندان زنده به دنیا آمده بر شمار زنان واقع در سنین تولیدمثل (در این بررسی، زنان ازدواج کرده واقع در سنین تولیدمثل) شاخصی را به دست می‌دهد که در اصطلاح آن را متوسط زنده‌زایی نکاحی می‌نامیم. زنان مورد بررسی تا زمان انجام بررسی، روی هم رفته ۱۹۰۲ تولد زنده به دنیا آمده داشته‌اند که از این شمار، بیش از ۸۰ درصد به زنان کرد و کمتر از ۲۰ درصد به زنان ترک تعلق دارد.

جدول ۴. تحلیل واریانس باروری بر حسب قومیت

گروه قومی	شمار فرزندان به دنیا آمده					متوسط زنده‌زایی نکاحی	میانگین	انحراف معیار
	۰	۱	۲	۳	۴+			
کرد	۲۹	۶۸	۵۳	۴۸	۱۹۲	۳/۹	۴/۲	۲/۷۹
	۷/۴	۱۷/۴	۱۳/۶	۱۲/۳	۴۹/۲	۱۰۰	۴	
ترک	۲۱	۶۳	۵۷	۲۷	۲۴	۱/۹۵	۲/۱۹	۱/۳۵
	۱۰/۹	۳۲/۸	۲۹/۷	۱۴/۱	۱۲/۵	۱۰۰	۲	
کل	۵۰	۱۳۱	۱۱۰	۷۵	۲۱۶	۳/۳	۳/۶	۲/۶
	۸/۶	۲۲/۵	۱۸/۹	۱۲/۹	۳۷/۱	۱۰۰	۳	
کرد	—	۶۸	۱۰۶	۱۴۴	۷۶۸	۱۵۲۸	F = ۸۲/۴۱۲ و Sig = ۰/۰۰۰	
ترک	—	۶۳	۱۱۴	۸۱	۹۶	۲۷۴	x ² = ۸۰/۲۲ و Sig = ۰/۰۰۰	
کل	—	۱۳۱	۲۲۰	۲۲۵	۸۶۴	۱۹۰۲	Eta = ۰/۳۹, Cramer's V = ۰/۳۸۸	

متوسط زنده‌زایی نکاحی کل جمعیت مورد بررسی زنان کرد و ترک به ترتیب، ۳/۳، ۳/۹ و

۱/۹۵ فرزند است. میانگین شمار فرزندان زنده به دنیا آمدهٔ زنانی که دست‌کم یک تولد زنده داشته‌اند در میان زنان کرد با ۴/۲ فرزند بیشتر از زنان ترک با ۲/۲ فرزند است. متوسط زنده‌زایی نکاحی و میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده در میان کردها بیشتر از ارقام متناظر در جمعیت مورد ژبررسی و ترک‌هاست. میانهٔ ۴ فرزند برای زنان کرد نیز گویای آن است که ۵۰ درصد آنها تا زمان بررسی ۴ فرزند به دنیا آورده‌اند. نتیجهٔ آزمون تحلیل واریانس و سطح معنی‌داری آن ($F = ۸۲/۴۱۲$ و $\text{sig} = ۰/۰۰۰$) نشان می‌دهد که تفاوت باروری گروه‌های قومی مورد بررسی به لحاظ آماری معنی‌دار است. آمارهٔ کای اسکور ($X^2 = ۸۰/۲۲$) و ضریب همبستگی کرامر ($۰/۳۸۸$) Cramer's V نیز بر معنی‌دار بودن تفاوت‌ها و شدت آن صحنه می‌گذارند.

۳. تحلیل کوهورت باروری

تحلیل کوهورت باروری بر حسب قومیت نشان می‌دهد که در هر دو گروه قومی زنان متعلق به کوهورت‌های اخیرتر ازدواج، کوهورت ازدواج بعد از دههٔ ۱۳۶۰، شمار فرزندان زنده به دنیا آمدهٔ کمتری در مقایسه با کوهورت‌های ازدواج دههٔ ۱۳۶۰ و قبل از آن داشته‌اند. تحلیل واریانس باروری بر حسب قومیت و کوهورت ازدواج، جدول شمارهٔ ۵، گویای آن است که در هر دو گروه قومی، میانگین فرزندان زنده به دنیا آمدهٔ دست‌کم یکی از کوهورت‌های ازدواج با کوهورت ازدواج دیگر فرق معنی‌دار دارد.

جدول ۵. تحلیل واریانس باروری بر حسب قومیت و کوهورت ازدواج

قومیت	کوهورت ازدواج	میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه
کرد	قبل از دههٔ ۱۳۶۰	۷/۸۶	۲/۴۴	۶۶
	دههٔ ۱۳۶۰	۵/۱۳	۲/۰۳	۱۲۲
	بعد از دههٔ ۱۳۶۰	۲/۲۱	۱/۲۲	۱۷۳
آزمون آماری		Sig = ۰/۰۰۰	F = ۲۶۳/۱	
ترک	قبل از دههٔ ۱۳۶۰	۴/۲۵	۱/۹	۲۰
	دههٔ ۱۳۶۰	۲/۷۳	۰/۹۷	۴۴
	بعد از دههٔ ۱۳۶۰	۱/۵۸	۰/۷۹	۱۰۷
آزمون آماری		Sig = ۰/۰۰۰	F = ۶۶/۹	

نتایج آزمون توکی^۱، جدول شماره ۶، نیز این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد. میانگین فرزندان زنده به دنیا آمده زنان کرد متعلق به کوهورت ازدواج قبل از دهه ۱۳۶۰، ۱/۸ برابر رقم متناظر در بین زنان ترک است. به طور کلی، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت باروری گروه‌های قومی مورد بررسی در گذشته زیاد بوده است. با گذشت زمان این تفاوت‌ها کمتر شده است، به طوری که در کوهورت ازدواج بعد از دهه ۱۳۶۰ بسیار به هم نزدیک شده است. این یافته‌ها با ادعای عباسی شوازی (۱۳۸۰) و عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳) مبنی بر همگرایی باروری در ایران همخوانی دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون توکی جهت مقایسه زوجی شمار فرزندان زنده به دنیا آمده بر حسب قومیت و کوهورت ازدواج

قومیت	کوهورت ازدواج	قبل از دهه ۱۳۶۰	دهه ۱۳۶۰	بعد از دهه ۱۳۶۰
کرد	قبل از دهه ۱۳۶۰	—	*	*
	دهه ۱۳۶۰	*	—	*
	بعد از دهه ۱۳۶۰	*	*	—
ترک	قبل از دهه ۱۳۶۰	—	*	*
	دهه ۱۳۶۰	*	—	*
	بعد از دهه ۱۳۶۰	*	*	—

۴. نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری

تحصیلات یکی از تعیین‌کننده‌های مهم در تئوری‌های گذار باروری است. کالدول (۱۹۸۲) بر این باور است که تحصیلات از طریق کاهش منافع و افزایش هزینه‌های فرزندان، توجه بیشتر به کیفیت فرزندان، تسریع تغییرات فرهنگی و اشاعه و پذیرش ایده‌های جدید، باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بررسی نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان گروه‌های قومی از شاخص‌های ترجیح جنسی، تقدیرگرایی در رفتار باروری، ارزش‌های خانواده بزرگ، نگرش نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده، منافع اقتصادی و عملی فرزندان و شمار فرزندان ایده‌آل برای یک

۱. آزمون توکی (Tukey) قوی‌تر از آزمون شفه است و امکان به کارگیری آن در گروه‌های با حجم نابرابر وجود دارد. برای مقایسه یک به یک میانگین متغیر وابسته در هر یک از کوهورت‌های ازدواج از این آزمون استفاده شده است.

خانواده روستایی در شرایط کنونی استفاده شد. تحلیل واریانس نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری بر حسب قومیت نشان می‌دهد که در تمام موارد تفاوت‌های معنی‌داری در نگرش زنان گروه‌های قومی وجود دارد (جدول ۷).

برای اثبات این فرضیه که ممکن است تفاوت در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری ناشی از جایگاه متفاوت گروه‌های قومی در نظام آموزشی باشد، بر آن شدیم تا به کنترل متغیر وضع سواد و سطح تحصیلات در رابطه قومیت و نگرش‌های باروری بپردازیم (جدول شماره ۸). در ستون‌هایی که با عنوان تعدیل‌نشده مشخص شده‌اند، میانگین مشاهده‌شده شاخص‌های مرتبط با ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی در هریک از گروه‌های قومی مورد بررسی است. ستون‌هایی که با عنوان مدل ۱ و مدل ۲ مشخص شده‌اند، مقادیر برآورد شده هر یک از شاخص‌ها را با استفاده از تکنیک تحلیل طبقات چندگانه و پس از کنترل متغیرهای وضع سواد و سطح تحصیلات بر حسب قومیت نشان می‌دهد. تفاوت این دو مجموعه از برآوردها در این است که در مدل ۱، تعدیل و برآورد میانگین شاخص‌های نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری بر حسب قومیت با کنترل متغیر وضع سواد، باسواد و بی‌سواد، صورت گرفته است، در حالی که در مدل دوم، تعدیل و برآورد با کنترل همزمان وضع سواد و سطح تحصیلات صورت گرفته است. نتایج تحلیل طبقات چندگانه نیز گویای آن است که تفاوت معنی‌داری در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان گروه‌های قومی وجود دارد.

جدول ۷. تحلیل واریانس نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری بر حسب قومیت

گروه قومی	ارزش‌های خانواده‌های بزرگ	تقدیرگرایی در رفتار باروری	نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری			
			ترجیح جنسی	منافع اقتصادی و عملی فرزندان	نگرش به برنامه شمار فرزندان	
			تنظیم خانواده	ایده‌آل		
کرد	۱۵/۴	۲۰/۳	۲۱/۱	۲۰/۰	۱۷/۸	۳/۲۶
ترک	۱۲/۸	۱۶/۳	۱۸/۲	۱۷/۴	۱۸/۶	۲/۱۷
F	۲۶/۵	۷۶/۳	۳۳/۵	۱۵/۲	۱۵/۰	۱۲۵/۱
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

داده‌های جدول ۸ همچنین نشان می‌دهد که:

اولاً، پس از کنترل وضع سواد، مدل ۱، از نسبت همبستگی بین قومیت و نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری کاسته می‌شود. برای مثال، نسبت همبستگی قومیت و شمار فرزندان ایده‌آل

با ۱۰/۸ درصد کاهش از ۰/۴۲۱ در مدل تعدیل نشده، بدون کنترل، به ۰/۳۱۳ در مدل ۱ می‌رسد.

ثانیاً، با کنترل سطح تحصیلات، مدل ۲، نوعی همگرایی در نگرش‌های باروری زنان گروه‌های قومی به وجود می‌آید. در تمام موارد، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان کرد به نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان ترک نزدیک‌تر می‌شود، هرچند تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنی‌دار است.

جدول ۸. تحلیل طبقات چندگانه نگرش‌های باروری گروه‌های قومی

ارزش‌های خانواده بزرگ	تقدیرگرایی در رفتار باروری			منافع اقتصادی و عملی فرزندان			ترجیح جنسی			نگرش به برنامه تنظیم خانواده			شمار فرزندان ایده‌آل
	تعدیل نشده	تعدیل شده	تعدیل نشده	تعدیل شده	تعدیل شده	تعدیل نشده	تعدیل شده	تعدیل شده	تعدیل نشده	تعدیل شده	تعدیل نشده	تعدیل شده	
کرد	۱۵/۰	۱۵/۲	۱۵/۴	۱۶/۰	۱۶/۶	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۲/۲
ترک	۱۲/۶	۱۲/۴	۱۲/۸	۱۲/۲	۱۲/۰	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۲/۴	۱۲/۴	۲/۴
F	۱۵/۲۵	۱۲/۱۵	۲۶/۵۱	۲۱/۳۳	۲۵/۲۸	۲۶/۲۳	۱۲/۳۲	۱۲/۵۲	۱۵/۱۶	۱۷/۰۲	۲۷/۲۳	۳۳/۵۰	۳۲/۲
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
Eta/Beta	۰/۱۳۳	۰/۱۷۷	۰/۳۳۳	۰/۱۶۰	۰/۲۳۳	۰/۲۶۵	۰/۳۳۳	۰/۳۳۳	۰/۳۳۳	۰/۳۳۳	۰/۳۳۳	۰/۳۳۳	۰/۳۳۳
R ^۲	۰/۱۱۸	۰/۰۷۸	۰/۰۵۹	۰/۱۱۶	۰/۱۳۶	۰/۱۵۶	۰/۱۰۶	۰/۰۵۷	۰/۰۲۵	۰/۱۵۶	۰/۰۸۷	۰/۰۵۵	۰/۰۲۸

برای آزمون این فرضیه که تفاوت‌های قومی باروری ناشی از تفاوت در نگرش‌های باروری و تعیین‌کننده‌های بلافصل است، از تکنیک تحلیل طبقات چندگانه استفاده کردیم (جدول شماره ۹). نتایج به دست آمده حاکی از آن است که پس از کنترل نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان، مدل ۱، تفاوت‌های قومی در باروری تعدیل می‌شود و به سوی نوعی همگرایی میل می‌کند. با کنترل تعیین‌کننده‌های بلافصل، تمایل به همگرایی بیشتر شد، هرچند تفاوت‌ها همچنان به لحاظ آماری معنی‌دار است.

همان‌طور که گفته شد، نابرابری آموزشی طی فرآیندی از اشاعه و تعامل اجتماعی بر نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان تأثیر می‌گذارد و از طریق تأثیر بر تعیین‌کننده‌های بلافصل، به‌طور غیرمستقیم، سطح باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اکنون می‌خواهیم بدانیم پس از کنترل نابرابری آموزشی و تعیین‌کننده‌های بلافصل، چه تغییری در رفتار باروری گروه‌های قومی صورت می‌گیرد.

جدول ۹. رابطه قومیت و باروری با کنترل تعیین‌کننده‌های بلافاصل و نگرش‌های باروری

میانگین شمار فرزندان زنده به دنیا آمده					
گروه قومی	حجم نمونه	تعدیل نشده	مدل ۱	مدل ۲	
کرد	۳۹۰	۳/۹۲	۳/۶۹	۳/۶۷	
ترک	۱۹۲	۱/۹۵	۲/۴۱	۲/۴۶	
آزمون آماری		۷۸/۴	۱۵/۰۹	۱۷/۰۸	
سطح معنی‌داری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
ضریب همبستگی		Eta = ۰/۳۴۵	Beta = ۰/۲۲۵	Beta = ۰/۲۱۲	
R ^۲		۰/۱۱۹	۰/۲۵۷	۰/۳۲۶	

نتایج به دست آمده از (جدول شماره ۱۰) نشان می‌دهد که کنترل همزمان تعیین‌کننده‌های بلافاصل سن به هنگام ازدواج، وضعیت تغذیه با شیر مادر و استفاده از وسایل جلوگیری از حاملگی تأثیر زیادی بر رابطه قومیت و باروری نداشته است. پس از کنترل، شدت رابطه قومیت و باروری از ۰/۳۴۵ به ۰/۳۱۳ تقلیل پیدا کرد (مدل ۱)، در حالی که پس از کنترل متغیر نابرابری آموزشی (مدل ۲)، از شدت رابطه قومیت و باروری به مقدار زیادی کاسته شد، به طوری که مقدار بتا از ۰/۳۴۵، قبل از اعمال هرگونه کنترل، به ۰/۱۳۶، پس از کنترل همزمان سطح سواد و تحصیلات و تعیین‌کننده‌های بلافاصل تقلیل پیدا کرد.

جدول ۱۰. رابطه قومیت و باروری با کنترل تعیین‌کننده‌های بلافاصل و نابرابری آموزشی

میانگین شمار فرزندان زنده به دنیا آمده					
گروه قومی	حجم نمونه	تعدیل نشده	مدل ۱	مدل ۲	
کرد	۳۹۰	۳/۹۲	۳/۸۶	۳/۵۲	
ترک	۱۹۲	۱/۹۵	۲/۰۷	۲/۷۵	
آزمون آماری		۷۸/۴	۲۴/۲۱	۲۷/۲۲	
سطح معنی‌داری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
ضریب همبستگی		Eta = ۰/۳۴۵	Beta = ۰/۳۱۳	Beta = ۰/۱۳۶	
R ^۲		۰/۱۱۹	۰/۲۲۸	۰/۳۲۳	

مقدار $R^2 = ۰/۳۲۳$ نیز بیانگر آن است که ۳۲/۳ درصد واریانس باروری زنان ترک و کرد را متغیر قومیت و مجموعه متغیرهای وارد شده در مدل ۲، تعیین‌کننده‌های بلافاصل و نابرابری

آموزشی، تبیین می‌کند. در این میان، سهم متغیر نابرابری آموزشی بیشتر از سایر متغیرهاست. این داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که دامنه نوسان سطح باروری گروه‌های قومی پس از اعمال کنترل به مراتب کمتر می‌شود و تقریباً نوعی همانندی و همگرایی در سطح باروری به وجود می‌آید، هرچند این همانندی کامل نیست و تفاوت‌های قومی باروری هنوز معنی‌دار است.

نتایج به دست آمده همچنین گویای آن است که در صورت کنترل تعیین‌کننده‌های بلافصل و نابرابری آموزشی، شدت رابطه قومیت و باروری به میزان $60/6$ درصد کاهش می‌یابد که کاهش چشمگیری است و نشان می‌دهد که جایگاه متفاوت زنان کرد و ترک در نظام آموزشی، که ریشه در توسعه ناموزون و نگاه نابرابر به جمعیت ساکن در مناطق کردنشین و ترک‌نشین در فرآیندهای برنامه‌ریزی توسعه ملی دارد، یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی تفاوت‌های قومی باروری در مناطق روستایی شهرستان ارومیه است. به این ترتیب، معلوم شد که نابرابری آموزشی سهم مهم و تعیین‌کننده‌ای در تفاوت‌های قومی باروری از طریق تأثیر بر ایده‌آل‌ها و نگرش‌های زنان و از آن طریق تعیین‌کننده‌های بلافصل دارد.

به منظور درک رابطه واقعی قومیت و باروری و آزمون فرضیه‌های تحقیق، باید به کنترل همزمان متغیرهای وارد شده در مدل تحلیلی، نمودار شماره ۱، پرداخت. نتایج تحلیل چندمتغیره در جدول شماره ۱۱ آمده است. ستون مربوط به میانگین تعدیل نشده، میانگین مشاهده شده متغیر وابسته را در هر یک از گروه‌های قومی نشان می‌دهد. ستون‌های مربوط به مدل ۱ و ۲، میانگین‌های موردانتظار متغیر وابسته را پس از کنترل متغیرهای مدل نشان می‌دهد با این تفاوت که در مدل ۲ علاوه بر متغیرهای مدل ۱، ارزش‌های خانواده بزرگ، تقدیرگرایی در رفتار باروری، منافع اقتصادی و عملی فرزندان، ترجیح جنسی، نگرش به برنامه تنظیم خانواده، شمار فرزندان ایده‌آل، سن به هنگام ازدواج، تغذیه با شیر مادر و استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی و متغیر نابرابری آموزشی نیز کنترل شده است.

جدول ۱۱. رابطه قومیت و باروری با کنترل تمام متغیرهای وارد شده در مدل

میانگین شمار فرزندان زنده به دنیا آمده			
گروه قومی	حجم نمونه	تعدیل نشده	مدل ۱
کرد	۳۹۰	۳/۹۲	مدل ۲ ۳/۴۶
ترک	۱۹۲	۱/۹۵	۲/۴۶
آزمون آماری		$F = 78/4$	$F = 18/126$
سطح معنی‌داری		$0/000$	$0/000$
ضریب همبستگی		$Eta = 0/345$	$Beta = 0/212$
R^2		$0/119$	$0/393$

مقایسه میانگین باروری گروه‌های قومی قبل و بعد از کنترل، مدل ۱ و ۲، نشان می‌دهد که پس از کنترل متغیرهای وارد شده در بررسی، مدل ۱، تفاوت باروری زنان کرد و ترک، که قبل از کنترل ۱/۹۷٪ فرزند بود، به ۱/۲۱٪ فرزند تقلیل می‌یابد. وقتی علاوه بر متغیرهای مدل ۱، متغیر نابرابری آموزشی هم کنترل شد، (مدل ۲) تفاوت‌ها به کمتر از ۱٪ فرزند، ۰/۵۷٪ فرزند رسید. به‌طور کلی، باید گفت که پس از کنترل، باروری کردها و ترک‌ها به سمت نوعی همگرایی میل می‌کند.

به این ترتیب، نتیجه می‌گیریم که پس از کنترل تمام مشخصه‌ها، غیر از نابرابری آموزشی، از شدت رابطه قومیت و باروری به میزان ۳۸/۶ درصد کاسته می‌شود که با افزودن متغیر نابرابری آموزشی به مجموعه متغیرهای مدل، میزان کاهش صورت‌گرفته به ۷۱ درصد افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، این فرضیه که تفاوت در رفتار باروری گروه‌های قومی بازتاب جایگاه متفاوت آنها در نظام آموزشی است، مورد قبول واقع می‌شود. متغیرهای وارد شده در مدل تحلیل (نمودار شماره ۱) روی هم رفته ۳۹/۳ درصد واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این بررسی حاکی از نابرابری شدید آموزشی در گروه‌های قومی مورد بررسی است. این نابرابری در سطوح بالاتر تحصیلی شدیدتر است. تحلیل‌های درون‌گروهی نیز نشان‌دهنده نوعی عدم تعادل جنسیتی در وضعیت آموزشی گروه‌های قومی است، اما در مقایسه، شدت نابرابری در میان کردها به مراتب بیشتر از ترک‌هاست. نتایج این بررسی همچنین گویای آن است که تفاوت‌های معنی‌داری در سطح باروری زنان کرد و ترک وجود دارد. متوسط زنده‌زایی نکاحی مادران کرد و ترک به ترتیب، ۳/۹ و ۱/۹ فرزند است. پنجاه درصد زنان کرد تا زمان بررسی ۴ فرزند زنده به دنیا آمده داشته‌اند که رقم متناظر در میان ترک‌ها ۲ فرزند است.

تحلیل کوهورت رفتار باروری از یک شکاف قابل توجه در سطح باروری زنان کرد و ترک متعلق به کوهورت‌های ازدواج قبل از دهه ۱۳۶۰ حکایت دارد، به‌طوری که میانگین شمار فرزندان زنده به دنیا آمده زنان کرد در این کوهورت ازدواج ۱/۸ برابر زنان ترک است. متوسط زنده‌زایی نکاحی در میان زنان کرد و ترک متعلق به کوهورت ازدواج بعد از دهه ۱۳۶۰، به ترتیب ۲/۲ و ۱/۶ فرزند است. همانندی سطح باروری کوهورت‌های ازدواج بعد از دهه ۱۳۶۰ با یافته‌های عباسی شوازی (۱۳۸۰) و عباسی شوازی و دیگران (۱۳۸۳) مبنی بر همگرایی باروری در ایران همخوانی دارد.

یافته‌های این بررسی همچنین نشان می‌دهد که تفاوت‌های معنی‌داری در نگرش‌ها و

ایده‌آل‌های باروری زنان کرد و ترک وجود دارد. نتایج تحلیل طبقات چندگانه نشان داد که با کنترل متغیر نابرابری آموزشی، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان کرد به نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری زنان ترک نزدیک‌تر می‌شود، هرچند تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنی‌دار است. از طرف دیگر، پس از کنترل نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری، نوعی همگرایی در رفتار باروری گروه‌های قومی به وجود آمد. با کنترل همزمان تعیین‌کننده‌های بلافصل و نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری، تمایل به همگرایی بیشتر شد. با وجود این، تفاوت‌ها همچنان به لحاظ آماری معنی‌دار است. تحلیل رابطه قومیت و باروری با کنترل تعیین‌کننده‌های بلافصل و نابرابری آموزشی نیز نشان داد که کنترل همزمان تعیین‌کننده‌های بلافصل تأثیر محسوسی بر رابطه قومیت و باروری ندارد، اما وقتی اثر نابرابری آموزشی کنترل شد از شدت رابطه قومیت و باروری به میزان ۶۰/۶ درصد کاسته شد و نوعی همگرایی در باروری به وجود آمد هرچند تفاوت‌ها همچنان به لحاظ آماری معنی‌دار است.

در تحلیل نهایی، به کنترل همزمان متغیرهای واردشده در مدل پرداختیم. وقتی تمام متغیرها، غیر از نابرابری آموزشی کنترل شد، از شدت رابطه قومیت و باروری به میزان ۳۸/۶ درصد کاسته شد. با کنترل همزمان اثر نابرابری آموزشی و سایر متغیرهای مدل، میزان کاهش به ۷۱ درصد افزایش پیدا کرد. نتایج این بررسی در تأیید فرضیه‌های تحقیق بود. متغیرهای واردشده در مدل در مجموع ۳۹/۳ درصد واریانس باروری گروه‌های قومی را تبیین می‌کنند.

در نهایت، باید گفت که با توجه به سطوح بالای نابرابری آموزشی در بین گروه‌های قومی، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری نیز متفاوت است. در بین کردها، با سطوح تحصیلی پایین‌تر، نگرش‌ها و ایده‌آل‌های باروری در حمایت از باروری بالا و در بین ترک‌ها، با سطوح تحصیلی بالاتر، البته در مقایسه با کردها، در جهت باروری پایین و داشتن خانواد‌های کوچک و کم‌حجم است. این دو شیوه نگرش، همان‌طور که گفته شد، عملکردهای جمعیتی متفاوتی را موجب می‌شوند. بنابراین، انتظار این است که در آینده کردها و ترک‌ها روندهای جمعیتی متفاوتی را تجربه کنند.

منابع

- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸) «درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها و همسازی ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۸.
- پرنده، پروش (۱۳۷۲) «بررسی تفاوت‌های استانی در باروری اقوام»، فصلنامه جمعیت، شماره ۵-۶، صص ۲۷-۵۸.

- حسینی، حاتم (۱۳۸۰) «رابطه مرگ‌ومیر و توسعه در استان‌های ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷، صص ۷۱-۹۶.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳) «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی کرد و ترک در مناطق روستایی شهرستان ارومیه»، طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۴) «بررسی رابطه قومیت و باروری در مناطق روستایی شهرستان قروه»، مجموعه مقالات سمینار مسایل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۴۱۱-۴۳۸.
- زنجانی، حبیب‌الله و محمد باقر ناصری (۱۳۷۵) «بررسی تفاوت‌های قومی و تأثیر آن بر میزان باروری زنان ایران»، طرح مشترک یونسکو و بخش جمعیت مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- سرابی، حسن (۱۳۷۶) «مرحله اول گذار جمعیتی ایران، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۹ و ۱۰، صص ۵۱-۶۷.
- صادقی، رسول (۱۳۸۳) «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- طالب، مهدی و محسن گودرزی (۱۳۸۲) «قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۱، صص ۱۱۳-۱۴۲، تهران.
- عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۰) «همگرایی رفتارهای باروری در ایران، میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۸.
- عباسی شوازی، محمد جلال و همکاران (۱۳۸۱) «بررسی دیدگاه زنان در مورد رفتارهای باروری در استان یزد»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۱۶۹ تا ۲۰۳.
- عباسی شوازی، محمد جلال و همکاران (۱۳۸۳) *تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب*، معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴) «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵، صص ۲۵ تا ۷۵.
- میرزایی، محمد و همکاران (۱۳۸۲) «بررسی و تحلیل مسایل و چالش‌های جمعیتی ایران و پیامدهای آن»، گزارش طرح پژوهشی کمیسیون جمعیت و چالش‌های اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ندیم، ابوالحسن و شاکر سالاری لک (۱۳۷۹) «روند میزان تولد و بعضی عوامل در ارتباط با باروری در استان آذربایجان غربی»، *مجله بهداشت ایران*، سال بیست و نهم، شماره ۱-۴.

Abbasi-Shavazi, M.J. (2001) "Below Replacement - Level Fertility in Iran: Progress and Prospects", Papers Prepared for the IUSSP Seminar on: International Perspectives on Low Fertility: Trends, Theories and Policies, Tokyo.

Abbasi-Shavazi, M.J. 2002) "Recent Changes and The Future of Fertility in Iran", Paper Presented at the Expert Group Meeting on Countinuing Fertility Transition, Population Division of The United Nations, March 13-18, New York.

Abbasi-Shavazi, M. and others (2003) "Changes in Family, Fertility Behavior and

- Attitudes in Iran", Working Papers in demography, No. 88, Demography and sociology Program, Research School of Social Sciences, Australian National University.
- Behende Asha A. and Tara Kanitkar (1994) *Principles of Population Studies*, Sixth Revised Edition, Himalaya Publishing House.
- Bongaarts, John, (2005) "The Causes of Stalling Fertility Transition", Working Papers, No. 204, Population Council.
- Bongaarts, John (1978). "A Framework for Analyzing the Proximate Determinants of Fertility", *Population and Development Review*, Vol.4, No.1, PP. 105-132.
- Bongaarts, John and Robert G. Potter. (1983) *Fertility, Biology and Behavior, An Analysis of the Proximate Determinants*, Academic Press, New York, London.
- Bongaarts, John and Susan Cotts Watkins (1996) "Social Interactions and Contemporary Fertility Transition", *Population and Development Review*, Vol. 22, No. 4, PP. 639-682.
- Brunette. T.A. (1996). "Ethnicity and Fertility in West Africa: A Modified Proximate Determinant Analysis Among Ethnic Grouping in Nigeria and Senegal", Paper Presented at Population Association of America Annual Conference.
- Cleland, J. and Wilson, C. (1987) "Demand Theories of the Fertility Transition; An Iconoclastic View", *Population Studies* 41:5-30.
- Goldsheider, C. and P.R. Uhlenberg (1969) "Minority Group Status and Fertility". *The American Journal of Sociology* 79: 361-372.
- Govindasamy, Pavalavalli. (1991) "Ethnicity and fertility Differentials in Peninsular Malaysia: The Impact of Government Policies", *Population and Development Review* 18, No. 2. 243-267.
- Hosseini-Chavoshi, M, Peter McDonald and Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi (2005) "Fertility Dynamics in Iran, 1970-2000; Parity Progression Ratios and Measures of Starting, Spacing and Stopping", Paper Presented at XXV International Population Conference at the IUSSP, 18-23 July, Tours, France.
- Johnson, N.E. (1979) "Minority Group Status and The Fertility of Black Americans 1970: A New Look", *American Journal of Sociology*, 84(6):1386-1400.
- Koc, L. and A. Hancioglu (1999) "Demographic Differentials and Demographic Integration of Turkish and Kurdish Populations in Turkey", Paper Presented at European Population Conference, The Hague, Netherlands.
- Kollehlon, Konia T. (1989) "Ethnicity and Fertility in Liberia: Test of the Minority Group Status Hypothesis", *Social Biology*, Vol. 36, No. 1-2, PP.67-81.

- Mirzaie, M. (2005) "Swings in Fertility Limitation in Iran", *Critique: Critical Middle Eastern Studies*, Vol. 14, No. 1, 25-33.
- Mishra V. (2004) "Muslim-Non Muslim Differentials in Fertility and family Planning in India", East-West Center Working Papers, *Population and Health Series*, No. 112.
- Mistry, M. (1999) "The Role of religion in Fertility and family Planning among Muslims in India", *Indian Journal of Secularism*. 3(2). 1-33.
- Notestein, F. (1953) "Economic Problems of Population Change", in: Proceedings of the Eighth International Conference of Agricultural Economists, London: Oxford University Press, PP. 13-31.
- Puvanarajan. P, and W. Indralal de Silva. (2001) "Fertility Decline in Sri Lanka: Are All Ethnic Groups Party to the Process?", *Asia-Pacific Population Journal*, Vol. 16, No. 3, 23-46.
- Ritchy, P. N (1975) "The Effect of Minority Group Status on Fertility: an Re-Examination of Concepts", *Population Studies*, 29 (2):249-257.
- Sly, D. F. (1970) "Minority Group Status and Fertility: An Extension of Goldscheider and Uhlenberg", *American Journal of Sociology*, 76 (3):443-459.
- Statistics New Zealand (2004) "Fertility of New Zealand Women by Ethnicity, Based on New Zealand 1996 Census of Population, and Dwellings", Catalogue, No. 10. 005, ISBN 0-978-26922-6.
- Thapa, S. (1989) "The Ethnic Factor in the Timing of Family Formation in Nepal", *Asia-Pacific Population Journal*, 4 (1): 3-34.
- Thompson, W. (1929) Thapa, S. (1989) "The Ethnic Factor in the Timing of Family Formation in Nepal", *Asia-Pacific Population Journal* 4(1):3-34.
- Wu Cangping and Jia Shan (1992) "The Chines Culture and Fertility Decline", Institute of population Research, People's University of China.